

ساختارهای اجتماعی قاتل امام؛

ساختارهای اجتماعی برانداز نظام^۱

مبحث اول:

فرهنگ زیارات و ادعیه، مبنی نقش اساسی «امت، جامعه و ساختارهای اجتماعی» در شهادت امام حسین (ع)

حجت الاسلام و المسلمین محمدصادق حیدری

شب اول محرم

هر فرد، گروه یا جامعه‌ای که با واقعه عاشورا مواجه شود، معمولاً با این پرسش نیز مواجه خواهد شد: چگونه امتی که به اسلام و پیامبر اکرم (ص) انتساب داشت، با فاجعه‌ای به این عظمت همراهی کرد یا در مقابل آن ساکت ماند؟ خصوصاً با توجه به این که به دلیل جنگ‌ها و فتوحات، سرزمین‌های اسلامی در آن زمان بسیار گسترده شده بود و جمعیت مسلمانان نیز بسیار زیاد بود و قاعدتاً میلیون‌ها مسلمان در گستره‌ای از افغانستان کنونی در شرق تا روم شرقی در غرب و از قفقاز و آذربایجان در شمال تا بحرین و عمان کنونی در جنوب زندگی می‌کردند. طبیعی است که این جمعیت بزرگ به تعداد افراد خود دارای سلاطین گوناگون و روحیات متفاوت و عقلانیت‌های مختلف بود و ظرفیت روحی و فکری و عملی آنان با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری داشت. اما این جمعیت با این همه گوناگونی و اختلاف چگونه در جنایت فجیعی مثل شهادت فرزند پیامبر اکرم (ص) و اسارت اهل بیت (ع) به اتفاق نظری و وحدت عملی رسید؟! همه این تفاوت‌ها چگونه در چنین امر شیعی به وحدت تبدیل شد؟! روشن است که عاشورا قضیه‌ای نبود که در یک روز محدود شود تا کسی فکر کند مردم از خطر جانی برای تنها فرزند پیامبر (ص) بی‌خبر باشند بلکه حضرت اباعبدالله (ع) و اهل بیت (ع) و نوامیس پیامبر اکرم (ص) بیش از پنج ماه به خاطر خطر جانی، دچار آوارگی و خانه‌به‌دوشی بودند و این واقعیت را به روش‌های مختلف در مقابل چشم همگان علنی کردند اما تحرکی از جامعه مسلمین دیده نشد. پس از شهادت هم تا پیش از انقلاب حضرت سجاد و حضرت زینب علیهما السلام در شام، تحرک خاصی از جامعه‌ای که با خبر شهادت ایشان مواجه شده بود، دیده نشد. همه این‌ها در حالی است که قتل ذریه پیامبر (ص) حتی در همان جامعه نفاق‌زده و آلوده چنان قباحتی داشت که وقتی مروان به حاکم مدینه پیشنهاد داد تا اباعبدالله (ع) را به دلیل سرپیچی از

۱. این مباحث با همکاری و مشارکت «حسینیه اندیشه» و هیئت گفتمان انقلاب اسلامی در محرم ۱۳۹۷ و در مسجد اهل بیت (ع) واقع در شهر مقدس قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت و متن کامل مباحث به پیام‌رسان «بله، سروش و ایتا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

بیعت در همان محل استانداری مدینه به شهادت برساند، حاکم اموی مدینه به او گفت: «ویحک! انک اشرت الی بذهاب دینی و دنیای. وای بر تو! پیشنهاد تو به این معناست که دین و دنیا را از دست بدهم.»^۱

حال چگونه افراد با تمام گوناگونی‌ها و تفاوت خود بر انجام این جنایت عظمی یا همراهی با آن یا سکوت در برابر آن، به وحدت اجتماعی می‌رسند؟! این، سوال اصلی این سلسله بحث است که تحلیل و پاسخ آن در واقعیتی به نام «جامعه و ساختارهای اجتماعی» نهفته است که باید با تطبیق صحیح و قاعده‌مند آن بر جامعه امروز، به فهم صحیح از پیام عاشورا برای این دوره از تاریخ رسید و آن را مبنای عمل برای حل چالش‌های نظام مبارک جمهوری اسلامی قرار داد؛ نظامی که بزرگترین دستاورد جامعه شیعه در عصر غیبت کبری است.

البتة عظمت مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در روایات اهل بیت (و بالتبع تعجب‌آمیز بودن همراهی یک جامعه با آن) بسیار فراتر از درک جامعه منافق آن روز و حتی جامعه مومنین امروز است. جناب ابن قولویه، صاحب کامل‌الزیارات (از معتبرترین کتب حدیثی شیعه)، روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که عظمت این مصیبت و سنگینی این عزای بزرگ در آسمانها را توضیح می‌دهد: «یا ابابصیر! حضرت فاطمه زهرا (س) برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می‌گریه و صدای اندوهناکی از ایشان بلند می‌شود که بر اثر آن صدا، آتش جهنم به جوش و خروش درمی‌آید و فریادی می‌کشد که فرشتگان حافظ و نگهبان جهنم آمده می‌شوند تا آن را مهار کنند زیرا اگر این کار را نکنند، آتش جهنم طغیان کرده و به زمین می‌رسد و اهل زمین را می‌سوزاند. لذا ملائکه درهای جهنم را می‌بندند و این التهاب شدید تمام نمی‌شود تا زمانی که حضرت صدیقه طاهره (س) آرام شوند و به گریه خود پایان دهند.»

در ادامه روایت، مضمون فرمایش امام صادق (ع) این است: «بر اثر این گریه و حزن و صدای ناله حضرت زهرا (س)، فرشتگان از روی شفقت و ترحم خدا را خوانده و به درگاه حق تضرع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز همگی در تضرع و ناله می‌باشند. صداهایی از فرشتگان همراه با تقدیس خدای متعال — به خاطر ترس از (نابودی) اهل زمین — بلند می‌شود و اگر صدایی از صداهای آنها به زمین برسد، اهل زمین بیهوش می‌شوند و کوه‌ها قطعه قطعه می‌شود و زمین با اهلش به لرزه می‌افتد.» ابی بصیر می‌گوید: «فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است.» حضرت می‌فرماید: «از این عظیم‌تر اخباری است که تو نشنیده‌ای.» سپس فرمود: «ای ابوبصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت فاطمه (س) را کمک می‌کنند؟» ابوبصیر می‌گوید: وقتی امام (ع) این کلام را فرمودند، بطوری گریه به من دست داد که قادر به سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلم نداشتم. پس از مجلس حضرت با چنان حالی برخاسته و بیرون آمدم که نه غذا خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه محضر مبارکش دوباره مشرف شدم. پس وقتی امام را ساکن و آرام دیدم، من نیز آرام گرفتم.

۱. اللهوف علی قتلی الطفوف؛ المسلك الاول، ص ۲۳.

اساساً عظمت مصیبت حضرت سیدالشهدا (ع) و ناله و حزن صدیقه طاهره (س) و وضعیت عزای آسمانها و اهل عرش و ملائکه است که به اندازه معرفت ما در عزاداری‌های مان جاری می‌شود و باعث می‌شود تا امت دینی برای اقامه عزا به حرکت در آید و لذا امثال این روایت می‌تواند مقداری از عظمت مصیبت حضرت سیدالشهدا (ع) و آثار آن بر آسمان و زمین و دگرگونی آنها را که در زیارت عاشورا با عبارت «مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» اجمالاً به آن اشاره شده، تبیین کند.

در زیارت عاشورا بعد از بیان عظمت این مصیبت، بلافاصله این عبارت ذکر شده: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ» این گناه عظیم یعنی به شهادت رساندن حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به عنوان تنها باقیمانده از اهل کساء، لعنت را متوجه مسببان آن می‌کند و به تصریح عبارات فوق، یک «امت» است که این سوگ سنگین و جنایت بزرگ را رقم زده است. یعنی باید توجه داشت که این لعنت بر «امت و جامعه» ای است که اهل بیت (ع) را به قتل رساندند و ستون‌ها و پایه‌های ظلم بر این بزرگواران را مهندسی کردند. جامعه‌ای که با تمکین و تبعیت در برابر ائمه نفاق، باعث شهادت سیدالشهدا (ع) شدند. بنابراین این لعن، منحصر به افرادی نمی‌شود که در عصر عاشورا در سرزمین کربلا حضور داشتند و در مقابل حضرت قرار گرفتند و ایشان را در گودال قتلگاه به شهادت رساندند بلکه این لعن و نفرین به «جامعه» ای متوجه شده که موجب قتل امام شدند؛ گرچه لعن‌های مخصوصی نیز برای ائمه نفاق و محورهای شرارت در این زیارت آمده است.

در زیارت مطلقه اباعبدالله (ع) (که از لحاظ سند، جزء معتبرترین زیارات می‌باشد) نیز لعن‌ها منحصر به افراد خاص نیست بلکه موضوع لعن، یک «جامعه و امت» است: «لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَا يَتَكُمُ وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ...» لعنت خداوند بر جامعه‌ای که شما را به قتل رساند، جامعه‌ای که با شما مخالفت کرد، جامعه‌ای که شما را انکار کرد، جامعه‌ای که پشت به پشت هم داد (و با همکاری و پشتیبانی هم) بر ضد شما عمل کرد، امتی که وضعیت و جایگاه شما را شاهد بود اما گواهی نداد یعنی در راه شما خطر نکرد و شهید نشد.

پس موضوع همه‌ی این لعن‌ها، یک امت و جامعه است. یعنی اباعبدالله الحسین (ع) فقط در مقابل یزید، شمر، ابن‌سعد، حرمله، خولی و بقیه ائمه نفاق و سپاهیان آنها نبود، بلکه در مقابل هویت و تمامیت یک جامعه در همه ابعاد قرار داشت. مقصر شهادت سیدالشهدا (ع)، یک جامعه است. این حقیقت در دعای شریف ندبه صریحاً بیان می‌شود: «وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مُقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وَلَدِهِ» یعنی جامعه‌ی مدعی مسلمانان و منتسب به نبی اکرم (ص)، بر دشمنی و خشمگین کردن ایشان اصرار کرده و با همدیگر یک وحدت اجتماعی را تشکیل دادند تا با همدلی و همکاری و همراهی و همفکری یکدیگر، نسل و رحم رسول خدا (ص) را از بین ببرند و فرزندان ایشان را تبعید کنند. در این دعای شریف نیز بعد از ذکر عملکرد این جامعه، بلافاصله قتل و شهادت و آزار و اذیت خاندان نبوت به عنوان نتیجه رفتار همان جامعه معرفی می‌شود:

«فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ»^۱. البته قبل از آن، یک جمعیت قلیلی از این جامعه استثناء می‌شود: «إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ». پس جامعه و امت، یک مسأله بسیار اساسی در موضوع شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است.

وقتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) خواست به سمت مکه حرکت کند برای برادرش محمد حنفیه وصیتی نوشت که در آن نیز به همین مطلب مهم اشاره می‌شود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي» برای اصلاح امت جدم، از این شهر خارج شدم. یعنی دوباره بحث از «امت» مطرح است. حتی منافقین و دشمنان اهل بیت نیز بر همین «امت و جامعه» و وحدت آن دست می‌گذاشتند. لذا وقتی حضرت مسلم را اسیر کردند، ابن زیاد به ایشان گفت: تو وحدت جامعه مسلمین را بهم زدی. ایشان در پاسخ به او فرمود: نه، تو و پدرت بودید که وحدت امت اسلامی را از بین بردید. ما شایسته‌تر به این امر بودیم و شما اتحادی را که باید بر محور اهل بیت ایجاد می‌شد، نابود کردید.^۲

پس اصلاح «جامعه» بود که حضرت سیدالشهدا (ع) به خاطر آن قیام کرد و در طرف مقابل، منافقین می‌خواستند همین جامعه را در تصاحب خود داشته باشند. لذا اگر می‌خواهیم درباره عاشورا و پیام آن صحبت کنیم، نباید پیام این قیام بزرگ را به اجتناب از غیبت و تهمت و لقمه حرام یا رعایت حجاب و احترام والدین برای تک تک افراد منحصر کرد. اگرچه این احکام فردی، از احکام نورانی خدای متعال است، اما غیر از فرد، «جامعه» نیز دارای احکامی است و عدم رعایت آنها بود که باعث شد یک جامعه با حضرت اباعبدالله (ع) به مبارزه برخیزد و ایشان را به شهادت برساند. پس بحث یک «امت» در میان است و ما باید علاوه بر درس گرفتن وظایف فردی از واقعه عاشورا، نسبت به وظایف اجتماعی نیز توجه و مطالبه داشته باشیم. برای فهم و عمل در راستای قیام عاشورا این سوال باید مدنظر ما باشد که انحرافات امت و جامعه را چگونه بفهمیم و در مقابل آن چگونه بایستیم؟ راز حیات یک جامعه و امت چیست؟

ممکن است گفته شود: «امت و جامعه فرق چندانی با افراد ندارد، زیرا جامعه چیزی نیست جز در کنار هم قرارگرفتن افراد. لذا اگر هر فردی وظایف خودش را به خوبی انجام دهد و خود را اصلاح کند، جامعه نیز قهراً اصلاح می‌شود.» این مطلب از آن گزاره‌های مشهوری است که بسیار ناقص، فاقد دقت و ساده‌انگارانه است و مشکلات زیادی را برای مؤمنین به وجود آورده و فهم ما را نسبت به قیام اباعبدالله (ع) و اهداف ایشان تنزل بخشیده و و باعث وارد شدن ضربه‌های زیادی به جامعه متدینین شده است. بله! درست است که تک تک افراد، واحدهای تشکیل دهنده جامعه هستند اما جامعه جدای از افراد، دارای یک هویت و واقعیت است. به عنوان مثال با فرارسیدن ماه محرم، ممکن است کسی در خانه خود روضه‌ای بخواند یا گوش دهد و به مصائب حضرت توجه پیدا کرده و عزاداری کند، اما وقتی برای عزاداری وارد مسجد و تکایای پرجمعیت می‌شود و عزاداری و سینه‌زنی و

۱. «ستمکاران امت، گروهی (از اهل بیت) را کشتند و جمعی را اسیر و عده‌ای را تبعید کردند».

۲. تسلیه المجالس و زینه المجالس، ج ۲، ص ۲۰۰.

نوحه خوانی این جمعیت و فضای مراسم و مطالب سخنران و مداح را مشاهده می‌کند، حالت دیگری از عزاداری برای او ایجاد می‌شود که قطعاً با عزاداری او به صورت فردی و تنها خیلی متفاوت است. در این نوع عزاداری، حالت جمع و واقعیت جامعه بر او اثر می‌گذارد و شاید چندین برابر حالت عزاداری فردی، نسبت به حضرت سیدالشهداء (ع) توجه و حزن پیدا می‌کند. لذا وقتی جمعی با یک هدف مشترک به دور هم جمع می‌شوند و یک سری افعال شبیه به هم و رویه‌های مشترک انجام می‌دهند، حقیقت دیگری غیر از حقیقت تک‌تک افراد شکل می‌گیرد. مثال دیگر این که وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/ ۶۰) (هر چه توان دارید در مقابل کفار آماده کنید) اگر هر کسی بخواهد به صورت فردی وظیفه خود را انجام دهد، نهایت کار او تهیه اسلحه انفرادی و آموزش و تمرین فردی است. حال اگر تک‌تک افراد به این صورت خود را مسلح کنند و آماده نبرد شوند، آیا می‌توانند در مقابل حمله دشمن مقاومت کنند؟! دشمنی که با طراحی نقشه‌ی عملیاتی و هماهنگ کردن بخش‌های مختلف مانند توپخانه، هواپیما، موشک، تانک و... به جنگ آن‌ها آمده است، قطعاً در مقابل افرادی این‌گونه پیروز خواهد شد. چرا که دشمن بوسیله‌ی به وحدت رساندن افراد خود و ایجاد ارتباط منسجم بین آنها، یک واقعیت مرکب پدید آورده و یک جامعه نظامی تشکیل داده است. اما در این طرف جبهه، همه به صورت فردی عمل می‌کنند؛ یکی به تنهایی به پیش می‌رود و یکی به راست و یکی به عقب بر می‌گردد و دیگری می‌ایستد. پس جامعه آثاری غیر از تک‌تک افراد دارد.

در همین راستا باید توجه داشت که «امت» (از ریشه ا، م، م به معنای قصد) در زبان عربی، به معنای قصد و هدف مشترکی است که یک جمع بر اساس آن، به دور هم جمع می‌شوند. بنابراین برای فهم قیام عاشورا و درک وظایف نسبت به آن باید به این مهم توجه کرد که «جامعه چه وظیفه‌ای دارد؟» زیرا یک جامعه با تمامی ابعاد و روابط و ساختارها و منزلت‌های خود در مقابل حضرت اباعبدالله الحسین (ع) قرار گرفت و حضرت نیز برای اصلاح همین جامعه قیام کرد و به شهادت رسید. پس وقتی درباره عاشورا صحبت می‌کنیم باید درباره «جامعه» صحبت کنیم و عمیقاً متوجه باشیم که جامعه نیز غیر از جمع تک‌تک افراد است. اگر کسی در وظیفه خود نسبت به عاشورا به اعمال فردی اکتفا کند، برخلاف روایاتی که ذکر شد عمل کرده است. زیرا باید روابط و ساختارهای اجتماعی که زمینه شهادت امام را ایجاد کردند شناخت تا بتوان گفت جامعه ما باید چه کند. در غیر این صورت، جامعه ما نیز به همان خطراتی مبتلا می‌شود که جامعه زمان امام حسین (ع) مبتلا شد و شهادت حضرت را رقم زد. اگر هیأت و عزاداری‌ها بخواهند در راه اباعبدالله (ع) قرار بگیرند و به اصلاح امت پردازند، باید در رابطه با مشکلات جامعه و روابط و ساختارهای اجتماعی صحبت کنند و مردم را به آن سمت توجه دهند.

امروزه این که جامعه و ساختارهای آن، واقعیتی مستقل از تک‌تک افراد دارد، یک امر بدیهی و روشن است بلکه واقعیتی بسیار فراتر از آن شکل گرفته؛ به نحوی که جوامع و ساختارهای آنها با تمامی پیچیدگی خود نیز همانند افرادی شده‌اند که عضوی از یک جامعه بزرگتر به نام «جامعه جهانی» هستند. یعنی جامعه جهانی نیز به واقعیتی تبدیل شده که ورای هر یک از جوامع، هویت مستقل دارد و لذا ساختارهای مخصوص به خود را ایجاد کرده که موضوع آنها دیگر «هماهنگی یک جامعه» نیست بلکه هماهنگی دویست کشور و جامعه را موضوع کار خود قرار داده است. این امر در «سازمان ملل» تجلی یافته که صرفاً یکی از

بخش‌ها و ساختارهای آن، «شورای امنیت» نام دارد و به هماهنگی موضوع امنیت در جهان می‌پردازد. اما چرا تصمیم‌گیران اصلی این شورا و دارندگان حق و توفیق پنج کشور هستند؟! یکی از عوامل اصلی این مسأله، این است که کشورهای فوق، بمب اتم تولید می‌کنند و بیشترین سلاح هسته‌ای را دارند. یعنی روابط و ساختارهای جامعه جهانی، امنیت را بر اساس بمب اتم تعریف می‌کند. هر کشوری که در دستیابی به تکنولوژی بمب اتم از دیگران سبقت گرفته باشد، می‌تواند به منزلت تصمیم‌گیری برای کشورهای جهان دست یابد. به عبارت دیگر، رویه‌های مشترکی است که کشورها را به وحدت می‌رساند و این رویه در بخش نظامی، بر اساس بمب اتم شکل گرفته است. البته باید به این حقیقت مهم نیز توجه داشت که امروزه مردم و جامعه انقلابی ایران، توانسته اثر و کارآمدی بمب اتم را خنثی کند. یعنی نظام سلطه با بمب اتم، همه ملت‌ها و دولت‌های جهان را می‌ترساند و به تبعیت از خود مجبور می‌کند، اما چه اتفاقی برای مردم کشور ایران افتاده که از این سلاح نمی‌ترسند؟ ملت عاشورایی ایران نشان داد که از مرگ نمی‌ترسد و همین امر باعث ناکارآمدی بمب اتم شد. آمریکا در جنگ جهانی دوم وقتی با استقامت مردم ژاپن مواجه شد، با استفاده از بمب اتم بیش از ۲۰۰ هزار نفر ژاپنی را نابود کرد تا پایان جنگ را بپذیرند. در این وضعیت بود که مردم ژاپن ناامید شده و تسلیم شدند. در دوران دفاع مقدس نیز آمریکا و ایادی آن تلاش بسیاری برای پایان دادن به جنگ کردند تا منافع‌شان بیش از این ضربه نخورد ولی ملت ایران استقامت کرد. حال چرا آمریکا در مقابل ایران از بمب اتم استفاده نکرد؟ آیا آن‌ها از جهت انسانی دلشان به رحم آمد که بمب اتم بر سر ملت ایران نریختند؟ آمریکایی که درنده‌ترین گرگ‌های عالم است و تنها چیزی که برایش اصلاً ارزش ندارد جان انسان‌هاست، چرا از بمب اتم استفاده نکرد؟ آیا به این دلیل نبود که فهمید اگر با بمباران اتمی ۲۰۰ هزار نفر یا ۴۰۰ هزار نفر یا ۸۰۰ هزار نفر یا حتی یک میلیون نفر از ایرانیان را نیز بکشد، مردم ایران تسلیم نمی‌شوند و با حضور و استقامت، دست از آرمانهای خود بر نخواهد داشت؟ زیرا الگوی مردم ایران، امام حسین (ع) است که تک و تنها در مقابل ۲۰ هزار نفر جنگید و تسلیم نشد. لذا اگر از جمعیت ۳۵ میلیونی ایران در دهه ۶۰، یک میلیون نفر را هم شهید می‌کردند، این احتمال قوی برای‌شان مطرح بود که باز مردم صحنه را خالی نکنند. در واقع اخلاق عاشورایی ملت ایران، ساختارهای جامعه جهانی را شکست و به احتمال قوی آمریکا به این نتیجه رسید که اگر از بمب اتم استفاده کند اما ملت ایران باز هم در صحنه بماند، آبرو و اُبَهِت پوشالی بمب اتم از بین خواهد رفت. یعنی آن ترس و خوف مادی که با بمب اتم در ملت‌های جهان ایجاد کرده‌اند از بین خواهد رفت. امروز نیز نه تنها ملت ایران، بلکه گروهی از ملت لبنان به نام حزب الله لبنان این درس عاشورایی را آموخته‌اند و لذا اسرائیل با وجود حداقل ۸۰ بمب اتم نمی‌تواند از آنها در مقابل حزب الله لبنان استفاده کند. یا مردم فلسطین با سلاح ساده‌ای به نام بادبادک آتش‌زا به سمت مرز اسرائیل می‌روند تا باعث آتش‌سوزی در مزارع و مراکز آنها شوند. همین بادبادک‌ها به نحوی به «اسرائیل اتمی» ضربه وارد کرد که مجبور شدند با وساطت مصر مذاکره کنند تا آن وضع آشفته را کمی بهبود ببخشند. در واقع یکی از عوامل موثر در ساختارها و روابط نظامی جامعه جهانی، بمب اتم است که با مبارزات مردم ایران، بی‌آبرو و ناکارآمد شد و اخلاق عاشورایی مردم ایران در عمل، ساختارهای امنیتی در جامعه جهانی را شکست داده است.

پس مسأله عاشورا ناظر به «جامعه» است و دشمنان اباعبدالله (ع) ناظر به این جامعه عمل کردند و حفظ فرهنگ عاشورا و وفای به عهد با امام حسین (ع) از وظایف «جامعه» شیعه است. ان شاء الله در مباحث آینده ابعاد این موضوع تشریح خواهد شد: جامعه‌ای که به اباعبدالله (ع) حمله‌ور شد، چه روابط و ساختارهایی داشت؟ چطور این ساختارها باعث شهادت اباعبدالله (ع) شد و امروز چه ساختارهای اجتماعی است که به ملت ایران و نظام اسلامی ضربه می‌زند و باعث فاصله‌گرفتن مردم از نظام می‌شود و با ایجاد نارضایتی و ناامیدی برای مردم، این پשתوانه اصلی نظام در مقابل کفر جهانی را در معرض خطر قرار می‌دهد؟